

تبیین روش‌شناسی مناسب در کنترل استراتژیک

سیدمحمد اعرابی*

نبی‌الله دهقان**

چکیده

تحقیق حاضر با هدف تبیین و ارائه روش‌شناسی مناسب مطالعات کنترل استراتژیک صورت گرفته است. مورد مطالعه در این تحقیق، تحقیقات انجام شده در حوزه کنترل استراتژیک سطح کلان کشور می‌باشد. این تحقیق برحسب دستاورد یا نتیجه تحقیق از نوع توسعه‌ای - کاربردی و از لحاظ هدف تحقیق از نوع اکتشافی و به لحاظ نوع داده‌های مورد استفاده، یک تحقیق کیفی است. روش این تحقیق از نوع تحقیقات موردی است، لذا فرضیه‌های تحقیق با استفاده از این متدولوژی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها، اسناد و مدارک می‌باشد که با استفاده از منابع مختلف، داده‌های لازم، جمع‌آوری و از طریق روش تحلیل مقایسه الگوها، داده‌ها تحلیل شده‌اند. نتایج حاصل از تحلیل و ترکیب داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که از بین انواع روش‌شناسی‌های تحقیق، روش تحقیق قوم‌نگاری، روشی مناسب جهت تحقیقات کنترل استراتژیک می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: روش‌شناسی، کنترل استراتژیک، قوم‌نگاری

مقدمه

امروزه سازمان‌ها در محیطی پویا، پرابهام و متحول فعالیت می‌کنند. یکی از بارزترین ویژگی‌های عصر حاضر، تغییرات و تحولات شگرف و مداومی است که در طرز تفکر، ایدئولوژی، ارزش‌های اجتماعی، روش‌های انجام کار و بسیاری از پدیده‌های دیگر زندگی به چشم می‌خورد. سرعت این تغییرات به گونه‌ای است که نمی‌توان منحنی تغییر را در بعد زمان ترسیم کرد؛ زیرا پیشرفت و تحول باشتابی بیشتر از سرعت ترسیم منحنی به وقوع می‌پیوندد. کثرت این تغییرات که سازمان‌ها با آنها مواجه‌اند، از چنان فشار و نیرویی برخوردار است که هر نوع مقاومتی را در هم کوبیده و همه را با خود به جلو می‌برد. به عبارت دیگر، وسعت و تنوع نیروی تغییری که بر پیکر سازمان‌های امروزی وارد می‌آید، به قدری زیاد است که برای آنها چاره‌ای جز انطباق و پاسخگویی با این تغییرات وجود ندارد.

در چنین شرایط تغییر و تحول محیطی، داشتن چشم‌اندازی روشن از رسالت، عوامل خارجی تأثیرگذار و پیشرفتی که در راه رسیدن به اهداف حاصل می‌شود، برای سازمان بسیار حائز اهمیت است. برای انجام درست آن لازم است بیش از هر کار دیگر، کنترل منظم پیشرفت سازمان به همراه گسترش مدبرانه مناسب صورت گیرد و استراتژی سازمان براساس این سنجش تغییر کند. این فرایند که کنترل استراتژیک نامیده می‌شود، یک بخش مهم و اغلب ناپیدا است که سازمان‌ها برای مدیریت اثربخش یک سازمان به آن نیاز دارند. سیستم برنامه‌ریزی که محیط خارجی و قوت‌ها و ضعف‌های داخلی را ارزیابی می‌کند به کمال استعداد نهایی خویش نخواهد رسید، مگر اینکه در همان زمان به نظارت و سنجش پیشرفت سازمان همراه با ابعاد کلیدی استراتژیک آن پردازد. کنترل استراتژیک که عاملی ضروری برای مدیریت اثربخش مداوم در کسب و کار است، در زمان ناپیوستگی، حیاتی می‌شود (لورنژ و همکاران، ۱۳۸۴).

با آنکه استفاده از ادبیات مدیریت استراتژیک در سازمان‌های غیر نظامی بیش از نیم‌قرن می‌گذرد اما هنوز یک روش‌شناسی مشخص و قابل استفاده در حوزه کنترل استراتژیک که بخش اساسی مدیریت استراتژیک است، وجود ندارد. در جمهوری اسلامی ایران در خصوص این موضوع کاری انجام نشده و موضوع مذکور موضوعی بکر و بی‌سابقه است. در خارج از کشور نیز تنها دو کتاب در این زمینه شناسایی گردید. لذا تحقیق حاضر با هدف پاسخگویی به این سؤالات اساسی صورت گرفته است که الگوی روش‌شناسی

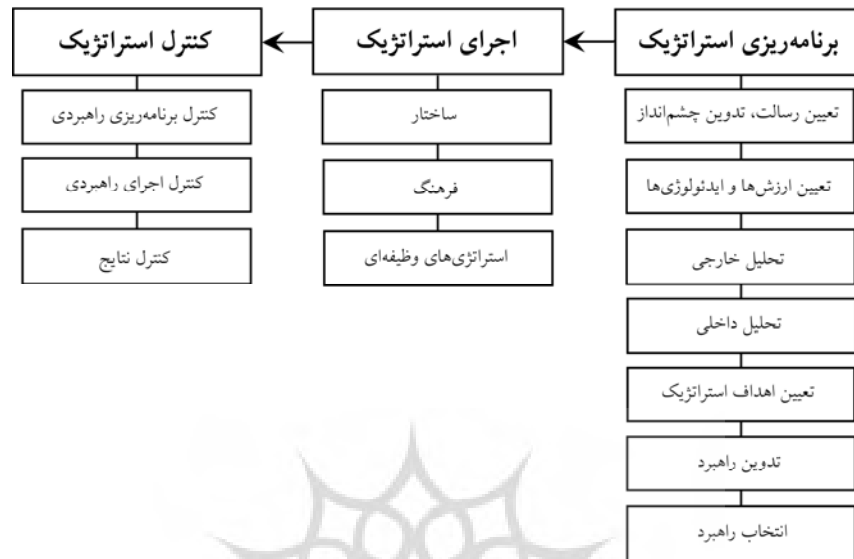
مطالعات کنترل استراتژیک سازمان‌ها کدام است؟ ثانیاً چگونه می‌توان روش‌شناسی مناسب مطالعات کنترل استراتژیک را تبیین نمود؟
 محققان امیدوارند انجام تحقیق در خصوص موضوع ارائه‌شده گامی کوچک در جنبش نرم‌افزاری و تولید علم در کشور باشد.

مروری بر ادبیات نظری تحقیق

۱. مدیریت استراتژیک

تفکرات، تصورات و فرضیات مختلفی در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک از سوی صاحب‌نظران این رشته، در قالب مکاتب شکل‌گیری استراتژی و برنامه‌ریزی استراتژیک مطرح شده و مخالفان و موافقان بسیاری نیز در این زمینه به اظهار نظر پرداخته‌اند. بررسی این‌گونه نظریات حاکی از آن است که درکی روشن و تصویری واحد از موضوع شکل‌گیری استراتژی و فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک وجود ندارد. آنچه مسلم است اصل واژه استراتژی، لاتین است و بیشتر، کاربرد نظامی و سیاسی دارد (گرچه امروزه وارد ادبیات کسب و کار نیز شده است). به شیوه حرکت نیروهای نظامی استراتژی می‌گویند. استراتژی از کلمه یونانی strategos مرکب از stratos به معنای ارتش و ego به معنی رهبر گرفته شده است (شهلائی و ولی‌وند زمانی، ۱۳۸۸، ص ۷۴).

با وجود آنکه قریب به چهار دهه از ظهور مدیریت استراتژیک می‌گذرد و بنگاه‌ها، شرکت‌ها، واحدهای غیر انتفاعی و سازمان‌های دولتی آن را به کار گرفته و از نتایجش بهره‌مند شده‌اند، اما تعریف واحدی از این مدیریت وجود ندارد و صاحب‌نظران با دیدگاه‌های متفاوتی، به تعریف آن پرداخته‌اند (شهلائی، ۱۳۸۵، ص ۲۱). برخی معتقدند در واقع، مدیریت استراتژیک، برنامه‌ریزی، هدایت، سازماندهی و کنترل تصمیمات استراتژیک فعالیت‌های واحد اقتصادی را دربر می‌گیرد (پیرس و رابینسون، ۱۹۹۴، ص ۲۴). از دیدگاه دیوید (۲۰۰۲) مدیریت استراتژیک عبارت است از هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیمات؛ وظیفه‌ای چندگانه که سازمان را قادر می‌سازد به اهداف بلندمدت خود دست یابد. بر این اساس، نقش‌ها و مسئولیت‌های متفاوتی برای محقق در مدیریت استراتژیک می‌توان در نظر گرفت (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱: مسئولیت‌های محقق در مدیریت استراتژیک

در مجموع می‌توان گفت مدیریت استراتژیک عبارت است از اداره روند تصمیم‌گیری استراتژیک. اگر این تعریف، کمی بسط داده شود اولاً باید یادآور شد که این نوع مدیریت با مدیریت عملیات و تصمیم‌گیری راجع به امور روزمره متفاوت است. چرا که در سطح استراتژیک، مسائل به صورت ذهنی، مفهومی، نظری (تئوریک) و کیفی بیان می‌شوند، ولی در سطح عملیاتی، مسائل به صورت عینی، عملیاتی، عملی و کمی عنوان می‌شوند. مسائل ذهنی یک ذهنیت روشن قبل از عمل به دست می‌دهند و یک نتیجه نظری یا مفهومی ارائه می‌کنند که مبنای عملی (عملیاتی شدن) قرار می‌گیرد. ثانیاً، با تصمیم‌گیری راجع به استراتژی و چگونگی به اجرا درآوردن آن سروکار دارند. ثالثاً، نظارت و کنترل استراتژیک، بخش لاینفک آن است. ولی بدیهی است که تصمیم‌گیری راجع به استراتژی بدون آگاهی از اوضاع و احوال فعلی و پیش‌بینی شرایط آتی چندان معنا و مفهوم ندارد. از این‌رو مدیریت استراتژی سه عنصر: برنامه‌ریزی استراتژیک، اجرای استراتژیک و کنترل استراتژیک را دربر می‌گیرد.

برنامه‌ریزی استراتژیک شامل تعیین ارکان جهت‌ساز سازمان (مأموریت، چشم‌انداز و ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها)، تحلیل محیط خارجی و محیط داخلی، تدوین و انتخاب استراتژی می‌گردد.

اجرای استراتژیک تابعی از ابزارهای عمومی سازمانی و ابزارهای خاص مدیریت است. ابزارهای عمومی شامل ساختار، فرهنگ، تکنولوژی و... می‌شود و ابزارهای خاص، حوزه‌های وظیفه‌ای یا کارکردی سازمان را شامل می‌شود (اعرابی، ۱۳۸۳).

کنترل استراتژیک، یعنی ارزیابی برنامه استراتژیک، فعالیت‌های سازمانی و نتایجی که اطلاعات مورد نیاز برای اقدامات آینده به دست می‌دهد. کنترل استراتژیک با کنترل عملیاتی تفاوت دارد، زیرا کنترل عملیاتی یک چرخه کوتاه‌مدت است و شامل چهار مرحله می‌شود: تعیین هدف، سنجش عملکرد، مقایسه عملکرد با استانداردها و بازخور نمودن نتیجه‌ها.

در کنترل عملیاتی در یک دوره کوتاه، روی یک واحد سازمان تأکید می‌شود. اصولاً در کنترل استراتژیک، نتیجه عملیات انجام شده و اطلاعات مربوط به اقدام ورودی را کنترل می‌کنند. بازخور نمودن نتیجه‌ها، یعنی مقایسه نتایج به دست آمده با آنچه مورد نظر بوده است و تغییرات عوامل محیطی که احتمالاً بر برنامه‌های استراتژیک اثر خواهند گذاشت. در این اقدام، شرکت می‌تواند علاج واقعه را قبل از وقوع بنماید و اجازه ندهد که عوامل خارجی، تعادل سازمان را بر هم بزنند. کنترل استراتژیک، یک فرایند دائمی است و باید شرایط داخلی محیط خارجی پیوسته کنترل شوند (دفت، ۱۳۸۰).

بررسی ادبیات سازمان و مدیریت استراتژیک حاکی از آن است که محققان و صاحب‌نظران این حوزه، دسته‌بندی‌های مختلفی را از مفهوم کنترل استراتژیک ارائه نموده‌اند (لورنژ و همکاران، ۱۳۸۴). با توجه به ایستا بودن و یا پویا بودن محیط سازمان که براساس شدت تغییرات عوامل محیطی تعیین می‌شود، دو نوع کنترل استراتژیک وجود دارد: کنترل تدریجی استراتژیک^۱ و کنترل بنیادی استراتژیک^۲. ویلیام اوچی از استادان دانشگاه کالیفرنیا (لوس آنجلس) پیشنهاد کرد که سازمان‌ها می‌توانند از نظر کنترل، یکی از سه استراتژی کنترل بازار، اداری (دیوان‌سالاری) و قومی را بر مبنای اطلاعات مورد استفاده انتخاب نمایند. رابینز (۱۳۸۱) نیز بر مبنای زمان مورد نیاز برای کنترل، سه نوع کنترل آینده‌نگر، حین فرایند و بازخور (پیش‌نگر) را معرفی می‌کند.

استیسی نیز بر مبنای نوع تغییرات، دو نوع کنترل از طریق یادگیری و سیاست و برنامه‌ریزی و ایدئولوژی را پیشنهاد می‌کند. شنایدر و بارسو (۱۳۸۴) نیز از زاویه فرهنگی

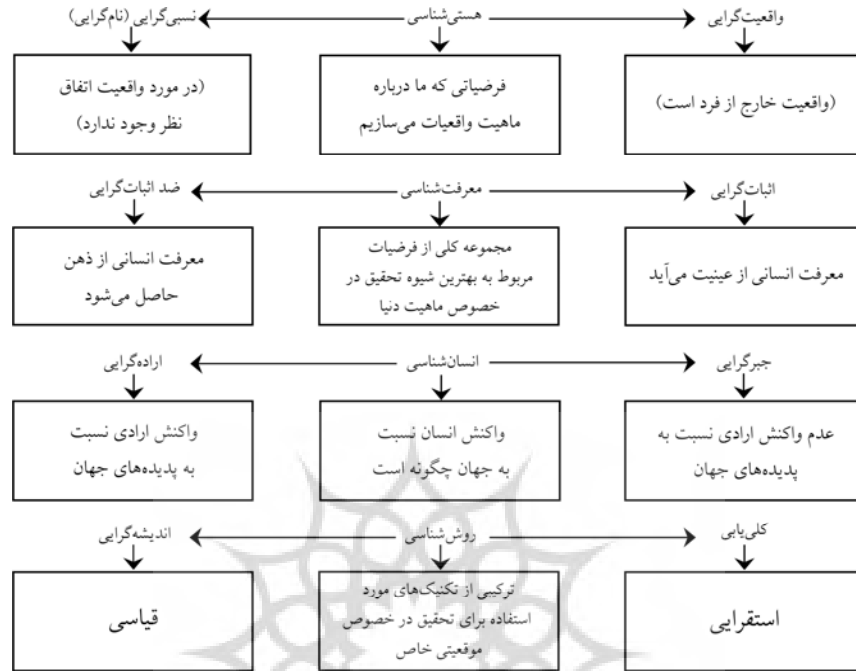
1. controlling the strategic momentum
2. controlling the strategic leap

به موضوع کنترل استراتژیک نگاه کرده و معتقدند که دو مدل کنترلی وجود دارد: مدل سازگاری و مدل کنترلی. همچنین صاحب‌نظران حوزه سازمان و مدیریت استراتژیک، رویکردهای متفاوتی را نسبت به کنترل استراتژیک به کار می‌برند. از دیدگاه پیرس و رایبسون (۱۳۸۰) چهار نوع رویکرد اساسی به کنترل استراتژیک عبارت‌اند از: کنترل فرضیات؛ کنترل اجرا؛ نظارت استراتژیک و سرانجام کنترل آگاهی‌های ویژه. از دیدگاه سوریاگ و استمین‌مان^۱ (۱۹۸۷) نیز انواع رویکردهای اساسی به کنترل استراتژیک عبارت‌اند از: رویکرد کنترل اجرای استراتژی؛ رویکرد تعیین اعتبار مفروضات استراتژیک؛ رویکرد مدیریت ظهور جنبه‌های استراتژیک و چهارم رویکرد بازنگری‌های دوره‌ای استراتژی. دسته‌بندی‌ها و رویکردها یا نگرش‌ها به کنترل استراتژیک (تعریف به اجزای مربوط) در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: تعاریف و مفاهیم، رویکردها و نگرش به کنترل استراتژیک (تعریف به اجزا)

منبع	انواع	رویکردها و اجزا
پیرس و رایبسون (۱۳۸۱)	کنترل فرضیات، کنترل اجرا، نظارت استراتژیک، کنترل آگاهی‌های ویژه	رویکردها به کنترل استراتژیک
سوریاگ و استمین‌مان (۱۹۸۷)	رویکرد کنترل اجرای استراتژی، رویکرد تعیین اعتبار مفروضات استراتژیک، رویکرد مدیریت ظهور جنبه‌های استراتژیک، رویکرد بازنگری‌های دوره‌ای استراتژی	
لورنژ و همکاران (۱۳۸۴)	تدریجی، بنیادی	اجزا و مقولات کنترل استراتژیک
اوچی (به نقل از دفت، ۱۳۸۰)	قومی (فرهنگی)، اداری (بوروکراتیک)، بازار	
رایبزن (۱۳۸۱)	کنترل آینده‌نگر، حین فرایند، بازخور (پیش‌نگر)	
استیسی (۱۳۸۴)	کنترل از طریق یادگیری و سیاست و برنامه‌ریزی	
شنايدر و بارسو (۱۳۸۴)	مدل سازگاری و مدل کنترلی	

تعریف مفاهیم به جایگاه، بحثی فلسفی می‌طلبد. با پرهیز از تفصیل مباحث فلسفی به‌طور خلاصه می‌توان جایگاه انواع مفاهیم را از نظر هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و روش‌شناختی بر روی پیوستاری در نمودار شماره ۲ مشخص نمود (اعرابی، ۱۳۸۳).



نمودار ۲: پیوستار فلسفی مفاهیم

(منبع: بوریل و مورگان، ۱۳۸۴، ص ۱۳)

برای تعریف مفهوم کنترل استراتژیک به جایگاه فلسفی آن، ذکر این نکته لازم است که نگرش استراتژیک متفاوت از نگرش عملیاتی بوده و ملاک تمایز آن نیز میزان ذهنی بودن یا عینی بودن است. چنان‌که اشاره شد در سطح استراتژیک، مسائل به صورت ذهنی، مفهومی، نظری (تئوریک) و کیفی بیان می‌شوند، ولی در سطح عملیاتی مسائل به صورت عینی، عملیاتی، عملی و کمی عنوان می‌شوند. مسائل ذهنی یک ذهنیت روشن قبل از عمل می‌دهند و یک نتیجه نظری یا مفهومی ارائه می‌کنند که مبنای عملی (عملیاتی شدن) قرار می‌گیرد. از طرفی براساس مدل بوریل و مورگان در سطح فلسفی نیز ملاک داشتن یک رویکرد فلسفی متمایز، پیوستار عینی - ذهنی است. به‌طور معمول می‌توان واقع‌گرایی در هستی‌شناسی، اثبات‌گرایی در معرفت‌شناسی، جبرگرایی در انسان‌شناسی و کلی‌یابی در روش‌شناسی را معادل واژه «عینی‌گرایی» ترجمه کرد. از سوی دیگر نسبی‌گرایی در هستی‌شناسی، ضد اثبات‌گرایی یا ساختارگرایی در معرفت‌شناسی، اراده‌گرایی در

انسان‌شناسی و اندیشه‌گرایی در روش‌شناسی را می‌توان معادل «ذهنی‌گرایی» ترجمه کرد (بوریل و مورگان، ۱۳۸۴، ص ۱۳). جمع‌بندی نگرش صاحب‌نظران نسبت به موضوع کنترل استراتژیک را می‌توان به صورت جدول شماره ۲ نشان داد.

جدول ۲: جمع‌بندی نگرش صاحب‌نظران نسبت به موضوع کنترل استراتژیک

بعد «ماهیت فلسفه و روش تحقیق»		پرسش
ذهنی‌گرایی	عینی‌گرایی	
آنچه که در ذهن است و فرد می‌پندارد	آنچه که واقعیت دارد و سازمان می‌گوید است	چگونه به مفهوم کنترل می‌نگرید؟
چندبعدی	تک‌بعدی	چگونه به ابعاد کنترل می‌نگرید؟
مقولات همگی با هم در ارتباطند و باید ارتباط میان آنها در دستیابی به کنترل دید	یک مقوله نسبت به سایر مقولات اولویت دارد و باید تک‌تک به مقولات پرداخت	چگونه به منشأ تهدید/ فرصت یا منافع/ معایب در کنترل می‌نگرید؟
داخلی یا درونی است	بیرونی یا خارجی است	چگونه به متغیر کنترل می‌نگرید؟
وابسته است، قابل کنترل	مستقل است، غیر قابل کنترل	

(منبع: اقتباس از: بوریل و مورگان، ۱۳۸۴، ص ۱۳؛ لورنژ و همکاران، ۱۳۸۴؛ کرسول و پلانوکلاک، ۱۳۸۷، ص ۴۲)

۲. روش‌شناسی و روش‌های تحقیق

روش‌شناسی مبحثی است که به بررسی روش شناخت علمی در علم می‌پردازد. به عبارتی روش‌شناسی، مطالعه منظم و منطقی اصولی است که جستجوی علمی را راهبری می‌کند (خاکی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۰). روش، راهی است که محقق برای دستیابی به حقیقت که همان پاسخ سؤالات تحقیقی وی است، طی کرده و شامل مجموعه طرق، قواعد و ابزارهای لازم برای کشف حقیقت است. پس روش‌شناسی یعنی شناخت روشی که محقق برای رسیدن به هدف تحقیق خود به کار گرفته است.

دستیابی به اهداف اصلی تحقیق، زمانی که جستجوی شناخت با روش‌شناسی درست صورت پذیرد، میسر خواهد بود. با اینکه در خصوص انواع و روش‌های تحقیق در بین صاحب‌نظران این حوزه اجماع نظر کلی وجود ندارد، اما یکی از دسته‌بندی‌های جامع در خصوص انواع روش‌های تحقیق و شرایط انتخاب آنها، تقسیم‌بندی «ین» است که قابلیت

توسعه نیز دارد. بر این اساس روش‌های تحقیق عبارت‌اند از: آزمایشی، پیمایشی، موردی، قوم‌نگاری، تطبیقی، تاریخی و اقدام‌پژوهی. از دیدگاه «ین»، انواع روش‌ها یا استراتژی‌های اصلی تحقیق را می‌توان براساس سه ملاک: الف) نوع پرسش؛ ب) کنترل بر رفتار رویداد و ج) زمان رویداد انتخاب نمود (ین، ۱۳۸۱، ص ۷). جدول شماره ۳ انواع روش‌های تحقیق و شرایط انتخاب هر کدام را نشان می‌دهد.

جدول ۳: انواع روش‌های تحقیق و شرایط انتخاب هر کدام (تعریف به اجزا)

روش‌های تحقیق	نوع پرسشی که مطرح است	رفتار رویداد نیاز به کنترل دارد	توجه به رویدادهای زمان کنونی
آزمایشی	چگونه، چرا	آری	آری
پیمایشی (زمینه‌یابی)	چه کسی، چه چیزی، کجا، چه تعداد، چه مقدار	نه	آری
تاریخی و اسنادی	چگونه، چرا	نه	نه
تطبیقی	چگونه، چرا	نه	نه
اقدام‌پژوهی	چه کسی، چه چیزی، کجا، چه تعداد، چه مقدار	آری	آری
تحقیق موردی	چگونه و چرا	نه	آری
قوم‌نگاری	چگونه، چرا و چه هست؟	نه	آری / خیر

(منبع: اقتباس از: ین، ۱۳۸۱، ص ۷؛ اسمیت، ثورپ و لوی، ۱۳۸۴، ص ۹۸)

بررسی مباحث فلسفی روش‌شناسی نشان می‌دهد که به‌طور کلی دو دیدگاه فلسفی نسبت روش‌شناسی وجود دارد: دیدگاه پوزیتیویسم و دیدگاه ساختارگرایی اجتماعی. ایده کلیدی پوزیتیویسم این است که دنیای اجتماعی در بیرون وجود دارد و مشخصات آن را باید با بهره‌گیری از روش‌های عینی سنجید و نه به اتکای روش‌های ذهنی مبتنی بر احساسات و انفعالات یا خودجوشی‌ها. فیلسوف فرانسوی آگوست کنت^۱ اولین فردی بود که این دیدگاه را مطرح نمود؛ زیرا او معتقد بود که: «از زمان بیکن تمام فکرها و خرده‌های خوب تکرار شده‌اند، به نحوی که هیچ دانش واقعی به جز آنچه که بر پایه حقایق مشهود استوار می‌باشد، نمی‌تواند وجود داشته باشد».

پارادایم جدیدی که از سوی فلاسفه طی نیم‌قرن اخیر و به‌طور عمده در پاسخ به واکنش استفاده از دیدگاه پوزیتیویستی در علوم اجتماعی شکل گرفته است، منبعث از این

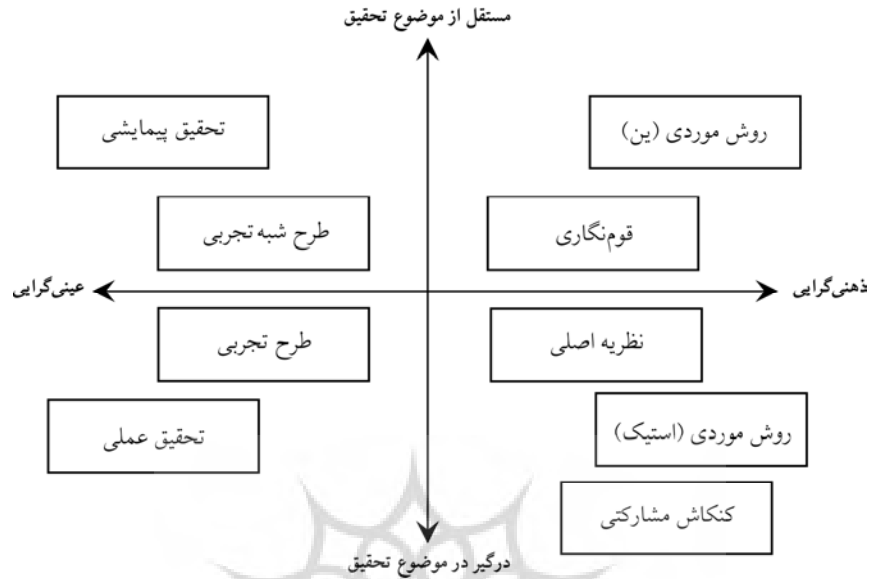
1. Auguste Comte

دیدگاه است که واقعیت، عینی و خارجی نیست، بلکه ماهیتی است که از سوی جامعه و اجتماع ساخته می‌شود و به وسیله مردم معنا و مفهوم می‌یابد. سپس ایده ساختارگرایی اجتماعی از سوی اندیشمندانی چون برگر و لوک‌من^۱ (۱۹۶۶)، واتزلاویک^۲ (۱۹۸۴)، و شاتر^۳ (۱۹۹۳) مطرح می‌شود؛ ایده‌ای که بر روش‌های درک دنیا به وسیله مردم، به‌ویژه از طریق تبادل تجربه‌های خود با دیگران از راه وسیله‌ای به نام زبان تأکید می‌کند.

ساختارگرایی مجموعه‌ای از روش‌ها و نگرش‌هایی است که هابرماس^۴ (۱۹۷۰) از آنها با عنوان روش‌های تفسیری نام می‌برد. جوهره ساختارگرایی اجتماعی به این صورت است که واقعیت از سوی مردم و نه از سوی عوامل بیرونی و عینی تعیین می‌شود. بنابراین، وظیفه یک اندیشمند اجتماعی نباید جمع‌آوری اطلاعات و ارقام و ارزیابی و اندازه‌گیری تعداد دفعات بروز الگوهای خاص باشد، بلکه او باید به معانی و سازه‌های مختلفی که مردم روی تجربه‌های خود می‌گذارند، توجه کند. باید روی آنچه که مردم، انفرادی و گروهی فکر و احساس می‌کنند، تمرکز نماید و باید به روش‌های برقراری ارتباط میان مردم، چه شفاهی و چه غیر شفاهی، توجه کند. باید بکوشد تا بفهمد و توضیح دهد که چرا مردم تجربه‌های مختلف دارند، نه اینکه به دنبال علل بیرونی و قوانینی بنیادی برای توضیح دلایل رفتار آنها بگردد. اقدامات انسانی از این حس منبعث می‌شوند که مردم در ظروف مکانی و زمانی مختلفی قرار دارند، یعنی در شرایط مختلف اقداماتی را انجام می‌دهند و لذا اقدامات انسانی، پاسخی مستقیم به محرک‌های بیرونی نیست (اسمیت، ثورب و لوی، ۱۳۸۴، ص ۵۵). انواع روش‌های تحقیق براساس جایگاه فلسفی و میزان استقلال و درگیری محقق در تحقیق، در نمودار شماره ۳ نشان داده شده است.

اگر مدل‌های روش‌شناسی اسمیت، ثورب و لوی و یین، با هم ترکیب شود، در هر نگرش فلسفی، نوع سؤالاتی که پیش روی محقق قرار دارد و نیز میزان کنترل محقق بر رویداد و زمان رویدادها و به تبع آن نوع روش تحقیق، متفاوت خواهد بود (جدول شماره ۴).

1. Berger & Luckman
2. Warzlawick
3. Shotter
4. Habermas



نمودار ۳: انواع روش‌های تحقیق براساس جایگاه فلسفی (تعریف به جایگاه فلسفی)
(منبع: اقتباس از: اسمیت، ثورب و لوی، ۱۳۸۴، ص ۹۸)

جدول ۴: روش‌های تحقیق، جایگاه فلسفی و شرایط انتخاب هر کدام

جایگاه فلسفی	روش‌های تحقیق	نوع پرسشی که مطرح است	رفتار رویداد نیاز به کنترل دارد	توجه به رویدادهای زمان کنونی
واقع‌گرایی	آزمایشی	چگونه، چرا	آری	آری
	پیمایشی (زمینه‌یابی)	چه کسی، چه چیزی، کجا، چه تعداد، چه مقدار	نه	آری
	تاریخی و اسنادی	چگونه، چرا	نه	نه
	تطبیقی	چگونه، چرا	نه	نه
ذهنی‌گرا	اقدام‌پژوهی	چه کسی، چه چیزی، کجا، چه تعداد، چه مقدار	آری	آری
	تحقیق موردی	چگونه و چرا	نه	آری
	قوم‌نگاری	چگونه، چرا و چه هست؟	نه	آری / خیر

(منبع: اقتباس از: بن، ۱۳۸۱، ص ۷؛ اسمیت، ثورب و لوی، ۱۳۸۴، ص ۹۸)
کرسول و پلانوکلاک، ۱۳۸۷، ص ۴۲)

الگوی روش‌شناسی تحقیق در مطالعات کنترل استراتژیک

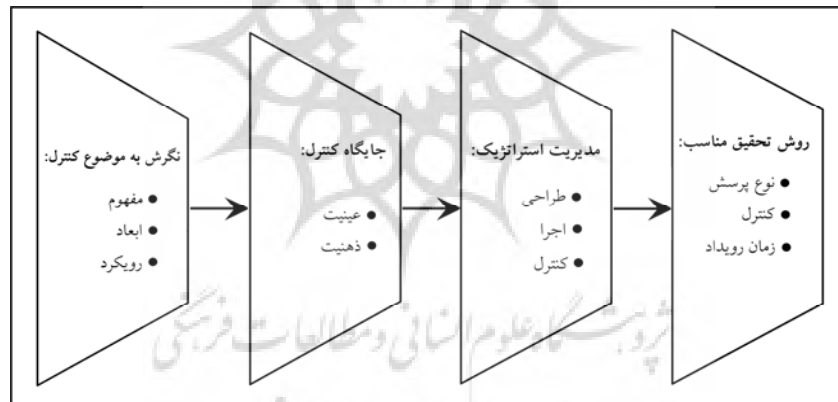
اگر تحلیلی براساس مدل ین بر روی مسئولیت‌های محقق در مطالعات کنترل استراتژیک انجام شود، در هر یک از این مسئولیت‌ها، نوع سؤالات که پیش روی محقق قرار دارد و میزان کنترل محقق بر رویداد و زمان رویداد، متفاوت خواهد بود (جدول شماره ۵).

جدول ۵: روش‌شناسی تحقیق در مطالعات کنترل استراتژیک

مسئولیت در پروژه مدیریت استراتژیک کنترل	نوع پرسشی که مطرح است چگونه و چرا	رفتار رویداد نیاز به کنترل دارد نه	توجه به رویدادهای زمان کنونی آری/ نه	روش تحقیق پیشنهادی قوم‌نگاری
---	---	--	--	------------------------------------

(منبع: اقتباس و ترکیب از: دیوید، ۲۰۰۲، ص ۱۳؛ پیرس و رابینسون، ۱۹۹۴، ص ۲۴؛ ین، ۱۳۸۱، ص ۷)

درمجموع از بررسی ادبیات نظری، الگوی روش‌شناسی تحقیق در مطالعات کنترل استراتژیک به دست می‌آید (نمودار شماره ۴). ادعای محوری این تحقیق آن است که به کمک این مدل‌ها و در قالب فرایند نمودار شماره ۴ می‌توان روش تحقیق کاربردی در «مطالعات کنترل استراتژیک» را شناسایی و معرفی کرد.



نمودار ۴: چارچوب مفهومی و فرایند مطالعات کنترل استراتژیک

فرایندی که در نمودار شماره ۴ آمده، گویای آن است که ابتدا باید محقق نگرش خویش به موضوع کنترل را تبیین کند، تا جایی‌گاهی که از آن به موضوع می‌پردازد، مشخص شود. در مرحله بعدی او باید مسئولیت خویش را در پروژه مدیریت استراتژیک تعیین و پس از آن روش تحقیق کاربردی خویش را انتخاب کند. برای استفاده از این چارچوب نیازمند آزمون آن یا دست‌کم، آوردن گواه و شاهدهی بر آن هستیم. در این راستا فرضیه‌های ذیل مطرح می‌شود که باید مورد آزمون یا شهود قرار گیرند:

فرضیه اهم: روش قوم‌نگاری در کنترل استراتژیک، زمانی که جایگاهی ذهنی دارد به کار می‌آید.

فرضیه بدیل: روش قوم‌نگاری در کنترل استراتژیک، زمانی که جایگاهی عینی دارد به کار می‌آید.

روش‌شناسی تحقیق

نوع تحقیق

به‌طور کلی انواع روش‌های تحقیق در علوم رفتاری را می‌توان با توجه به سه ملاک (الف) هدف تحقیق؛ (ب) دستاورد (نتیجه) تحقیق؛ (ج) نوع داده‌ها تقسیم کرد (اعرابی، ۱۳۸۳). این تحقیق بر مبنای دستاورد یا نتیجه تحقیق یک تحقیق توسعه‌ای - کاربردی است. توسعه‌ای است؛ چون به دنبال ارائه الگو و توسعه دانش روش‌شناسی در حوزه مطالعات کنترل استراتژیک است و کاربردی است؛ چون نتایج آن می‌تواند از سوی محققان مطالعات مدیریت استراتژیک مورد استفاده قرار گیرد. همچنین این تحقیق بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات اکتشافی است؛ به این دلیل که هنوز مشخص نیست کدام یا کدامین روش‌های تحقیق در مقوله کنترل استراتژیک استفاده می‌شوند. به علاوه این تحقیق از داده‌های کیفی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌کند، لذا این تحقیق یک تحقیق کیفی نیز هست.

روش تحقیق

چنان که پیش‌تر اشاره شد روش‌های مختلفی جهت انجام تحقیق وجود دارد. این تحقیق از روش تحقیق موردی جهت طرح، بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده می‌کند.

جمع‌آوری داده‌های تحقیق

در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار بررسی اسناد و مدارک استفاده شده است. داده‌های لازم از طریق متن یا نص صریح واقع در خود منبع علمی مورد استفاده، برداشت و استنباط کارشناسی دست‌کم از سوی دو تن از اعضای تیم تحقیق که جملگی از متخصصان و مشاوران روش تحقیق هستند و نیز از نظریات منتشرشده دیگر متخصصان درباره روش مورد استفاده در یک تحقیق استفاده گردیده است.

روایی و پایایی تحقیق

از آنجا که تحقیق حاضر یک تحقیق کیفی نیز هست، لذا روش‌های تعیین روایی و پایایی آن با آنچه که مرسوم بوده و عمدتاً در تحقیقات کمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، متفاوت است. از این رو رابرت ک. ین، صاحب‌نظر تحقیق موردی، معتقد است که جهت ارزیابی کیفیت طرح تحقیق موردی و افزایش روایی و پایایی آن چهار روش وجود دارد: قابل اعتماد بودن از نظر ساختاری، قابل اعتماد بودن طرح از نظر عوامل داخلی، قابل اعتماد بودن طرح از نظر عوامل خارجی، و قابل اعتبار بودن طرح (ین، ۱۳۸۱، ص ۵۰). در ادامه به سه روش افزایش روایی و پایایی این تحقیق اشاره می‌شود:

- برای قابل اعتماد بودن این تحقیق به لحاظ ساختاری، مدارک از چند منبع جمع‌آوری شده، زنجیره‌ای از آنها به وجود آمد و به وسیله تیم تحقیق و عوامل آگاهی‌دهنده، بازنگری و ویرایش شد.
- برای قابل اعتبار بودن طرح تحقیق از نظر عوامل داخلی، از مقایسه روش‌های تحقیق در مقولات مختلف استفاده شد.
- برای قابلیت اعتبار طرح تحقیق، از دستور کار تحقیق موردی استفاده شد و در طول تحقیق سعی بر آن بود که یک پایگاه داده، تشکیل شود. در این زمینه از نظریات کارشناسان و مشاور تحقیق استفاده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به‌طور کلی در تحقیقات موردی دو راهبرد کلی برای تحلیل داده‌ها وجود دارد:

۱. تکیه بر موضوع‌های نظری یا تئوریک؛ این روش، زمانی استفاده می‌شود که در حوزه مورد بررسی، تئوری یا تئوری‌های پایه و قوی وجود داشته باشد. در این حالت از روش‌هایی مثل مقایسه الگوها و مقایسه با وضعیت استاندارد استفاده می‌شود؛
۲. ارائه یک قضیه توصیفی؛ این روش نیز زمانی استفاده می‌شود که یک موضوع نظری یا تئوریک قوی در حوزه مورد مطالعه وجود ندارد (ین، ۱۳۸۱، ص ۱۶۲ و ۱۶۳). در این تحقیق برای تأیید فرضیه مهم و رد فرضیه بدیل، از راهبرد تکیه بر موضوعات نظری و با شیوه مقایسه با الگوهای نظری یا تئوری تحقیق (مدل مبانی فلسفی بارل و مورگان، مدل روش‌شناسی ین و مدل‌های کنترل استراتژیک) داده‌ها تحلیل شدند (جدول شماره ۶). در این تحقیق از دو تئوری پایه استفاده گردید که در ادبیات نظری به آن پرداخته شد:

۱. نگرش‌های فلسفی روش‌های تحقیق، به دو قطب ذهنیت‌گرا (ساختارگرا) و عینیت‌گرا (اثبات‌گرا یا پوزیتیویست) قابل تقسیم است (بوریل و مورگان، ۱۳۸۴، ص ۱۳).

۲. نگاه به مقولات استراتژیک در مقایسه با مقولات عملیاتی، ذهنی‌تر است؛ چرا که در سطح استراتژیک، مسائل به صورت ذهنی، مفهومی، نظری (تئوریک) و کیفی بیان می‌شوند. ولی در سطح عملیاتی، مسائل به صورت عینی، عملیاتی، عملی و کمی عنوان می‌شوند. مسائل ذهنی یک ذهنیت روشن قبل از عمل می‌دهند و یک نتیجه نظری یا مفهومی ارائه می‌کنند که مبنای عملی (عملیاتی شدن) قرار می‌گیرد (اعرابی، ۱۳۸۳).

جدول ۶: نتایج روش‌شناسی پژوهشی موردکاوی‌های تحقیقات کنترل استراتژیک

ردیف	مورد مطالعه	منبع	روش تحقیق	مسئولیت محقق	نگرش نسبت به امنیت ملی	شاهد است بر
۱	مفهوم امنیت ملی و تحولات جدید بین‌المللی	شاه‌حسینی، ۱۳۷۲	تاریخی اسنادی	کنترل (نتایج و فرضیات)	عینی (مستقل، تک‌بعدی)	ردّ بدیل
۲	بررسی شرایط متقابل ایران و آمریکا برای برقراری روابط دیپلماتیک (با تأکید بر خلیج فارس و روند صلح خاورمیانه)	ایمان‌پور، ۱۳۸۱	قوم‌نگاری	کنترل (مفروضات، پیشرفت کار)	ذهنی (چندبعدی)	پذیرش فرضیه
۳	بررسی کیفیت پساب نیروگاه بعثت و اثرات احتمالی آن بر محیط زیست منطقه	حاجی اسفندیاری، ۱۳۷۳	میدانی	کنترل (نتایج)	عینی (مستقل، تک‌بعدی)	ردّ بدیل
۴	بررسی نقش تبلیغات در جنگ تحمیلی	طاووسی، ۱۳۷۸	تاریخی اسنادی	کنترل (نتایج)	عینی (مستقل، تک‌بعدی)	ردّ بدیل
۵	تجارت خارجی و رشد اقتصادی ایران	مرادی و مهدی‌زاده، ۱۳۸۴	تاریخی اسنادی	کنترل (نتایج)	عینی (مستقل و تک‌بعدی)	ردّ بدیل

نتایج و پیشنهادها

در کتاب‌ها و تحقیقات موجود تاکنون مفهوم کنترل استراتژیک از حیث روش‌شناسی و تحقیقات، تجزیه و تحلیل و کالبدشکافی نشده و یک دسته‌بندی جامع و سیستماتیک از روش‌های تحقیق مورد استفاده در آن به عمل نیامده است. در این تحقیق با تحلیل و ترکیب مبانی فلسفی و علمی مفاهیم کنترل استراتژیک و روش‌شناسی تحقیق، الگوی روش‌شناسی مطالعات کنترل استراتژیک ارائه گردید. به‌طور کلی، این الگو بیان می‌کند که

اگر محقق قصد استفاده از روش تحقیق خاصی را در حوزه‌های مدیریت استراتژیک دارد، باید با استفاده از ابزارهای معرفی شده در این تحقیق ابتدا نگرش خویش را نسبت به موضوع روشن نموده، سپس مشخص سازد از کدام جایگاه به مبحث می‌پردازد و مسئولیت او در مدیریت استراتژیک چیست، و نهایتاً پس از مشخص شدن مسئولیت محقق در پروژه، نوبت معرفی روش تحقیق مناسب فرامی‌رسد.

بنابراین، با توجه به نتایج این تحقیق در حوزه «روش‌شناسی تحقیق در مطالعات کنترل استراتژیک» به پژوهشگران، مشاوران و آموزگاران حوزه مدیریت استراتژیک در کشور پیشنهاد می‌شود موارد ذیل را رعایت فرمایند:

۱. نگرش خویش را نسبت به مفهوم، ابعاد و رویکرد موضوع مدیریت و کنترل استراتژیک در حیطه کاری خویش مشخص سازند.
۲. در صورتی که مسئولیت کنترل بر عهده آنهاست، پیشنهاد می‌شود از روش قوم‌نگاری استفاده کنند. مهم‌ترین نکته در قوم‌نگاری، نامحسوس بودن کنترل و حضور در بطن جامعه است.

تبیین روش قوم‌نگاری در مطالعات کنترل استراتژیک

مطالعه توصیفی دقیق از رخداد‌های سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیکی و دیگر مقوله‌ها، به‌خصوص در زمینه‌ها و بسترهایی که در آن روی می‌دهند، از اهداف اساسی نوعی تحقیق در علوم انسانی به شمار می‌آید که امروزه تحت عنوان تحقیق قوم‌نگاری شهرت یافته است. قوم‌نگاری به ساده‌ترین مفهوم آن، مستلزم این است که پژوهشگر شیوه رویداد پدیده‌ها را عیناً در زمانی که روی می‌دهد و همان‌گونه که روی می‌دهد، توصیف کند. محقق، خود بخشی از رویداد خواهد بود و در متن قرار دارد. شاید بارزترین مثال در حوزه سیاسی و دفاعی در مورد تحقیق قوم‌نگاری، «جاسوسی» است. یک جاسوس تا آنجا که می‌تواند به کنترل استراتژیک مؤلفه‌های کلیدی می‌پردازد، و در بعضی موارد بنا به مقتضیات در آنها دخل و تصرف خواهد داشت. در این نوع تحقیق، هدف، یافتن علت‌ها و تبیین‌ها نیست، بلکه بیشتر توصیف واقعیت‌هاست. از این‌رو روش تحقیق قوم‌نگاری، ابزار مفیدی در کنترل استراتژیک به شمار می‌روند.

تحقیق قوم‌نگاری اگرچه در گذشته به صورت انحصاری در خدمت انسان‌شناسی و مردم‌شناسی قرار داشته و در مواردی خاص به حوزه‌های دیگر علوم انسانی وارد شده

است، در طول بیست سال اخیر به خصوص در دهه هشتاد این‌گونه تحقیقات در زمینه‌های دیگر نیز به صورت منظم مورد استفاده قرار گرفته است که یکی از این زمینه‌ها تحقیقات مدیریت استراتژیک است.

رویکرد قوم‌نگاری بر رویدادشناسی استوار است و به پژوهشگر اجازه می‌دهد برای تعیین الگوی مشاهده‌شده پدیده از دانش اجتماعی و مشترک مشارکت‌کنندگان در پژوهش استفاده کند. ویژگی کلیدی رویکرد قوم‌نگاری، تمرکز بر شیوه‌های طبیعت‌گرایانه تحقیق، مانند مشاهده مشارکتی درون‌نوعی چارچوب استقرائی از قبل تدوین شده است. مطالعات کنترل استراتژیک با استفاده از تحقیق قوم‌نگاری باید از ویژگی‌های ذیل برخوردار باشد:

۱. محیط‌گرایی (بافت‌گرایی): رفتار هر رویداد مورد مطالعه، تحت تأثیر بافتی است که در آن قرار دارد. از این رو نتایج به دست آمده از تحقیق قوم‌نگاری، تنها در محیط مورد مطالعه خود قابل تفسیر است.

۲. ماهیت کیفی، پدیدارشناختی: باید توجه داشت که جنبه واحدی از رویداد مورد مطالعه می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد. محققان قوم‌نگار نه تنها به توصیف رفتار می‌پردازند، بلکه سعی در تفسیر این رفتار از دیدگاه افراد تحت مطالعه دارند. از این رو انتخاب یک چارچوب مشخص برای تفسیر، کدگذاری و مقوله‌بندی رفتارها و رویدادها ضروری است.

۳. استفاده از روش شرکت‌کننده - مشاهده‌گر: در تحقیق قوم‌نگاری، جمع‌آوری داده‌ها شامل مشاهده آنچه رخ می‌دهد در شرایط طبیعی تحت مطالعه است. یک مشاهده‌گر قوم‌نگار باید بافتی را که پدیده روی داده، تفسیر شده و نسبت بدان عکس‌العمل نشان داده می‌شود، درک کرده، حوادث مربوط را تصویر نموده و به تفسیر آنها بپردازد. این فرد را که خود نیز در صحنه رویدادها حضور دارد، شرکت‌کننده مشاهده‌گر می‌نامند. بنابراین شرکت‌کننده - مشاهده‌گر سعی بر آن دارد که تا نقش یکی از افراد تحت مطالعه را به عهده گرفته و بافت مورد مطالعه را شخصاً تجربه کند تا به سهولت به احساسات و اعمال افراد تحت مطالعه پی ببرد. از این رو، مشاهده در تحقیق قوم‌نگاری گسترده‌تر از آن چیزی است که به صورت عینی ضبط می‌شود.

۴. دیدگاه کل‌گرا: در این نوع تحقیقات، مشاهده‌گر بر کل بافت مورد مطالعه تأکید دارد. به سخن دیگر، عناصری که به نحوی با پدیده مورد مطالعه رابطه دارند، از جنبه‌های

مختلف بررسی می‌شوند. دیدگاه کل‌گرا دربارهٔ مطالعهٔ رویداد مورد مطالعه امکان می‌دهد تا ارتباطات آن با دیگر رویدادها و ابعاد دیگر مورد مطالعه آن رویداد، به صورت یک کل، مورد نظر قرار گیرد. با توجه به ویژگی‌های یادشده، تحقیق قوم‌نگاری را می‌توان یک بررسی در شرایط طبیعی، با دیدگاهی کل‌نگر و استفاده از رویکرد پدیدارشناختی قلمداد کرد. بنا به نتایج این تحقیق، توصیه می‌شود: استادان مدیریت استراتژیک، درس‌های مربوط به حوزه کنترل استراتژیک را از منظر تحقیق قوم‌نگاری و یا کنترل نامحسوس مشارکتی به دانشجویان تدریس کنند.



منابع

- اعرابی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، جزوه دوره دکتری مبانی فلسفی روش تحقیق، تهران: دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی.
- _____، جزوه دوره دکتری کنترل استراتژیک، تهران: دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی.
- بای، ایستر؛ اسمیت مارک؛ ریچارد ثورب؛ اندی لوی (۱۳۸۴)، درآمدی بر تحقیق مدیریت، ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی، چ ۱، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ایمان‌پور، عباس (۱۳۸۱)، بررسی شرایط متقابل ایران و آمریکا برای برقراری روابط دیپلماتیک (پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- بوریل، گیسون و گارت مورگان (۱۳۸۴)، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان، ترجمه محمدتقی نوروزی، تهران: سمت.
- پیرس و رایبسون (۱۳۸۱)، مدیریت استراتژیک، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران: نگاه.
- حاجی اسفندیاری، حسن (۱۳۷۳)، بررسی کیفیت پساب نیروگاه بعثت و اثرات احتمالی آن بر محیط زیست منطقه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۸۲)، روش تحقیق در مدیریت، چ ۲، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد.
- دفت، ریچارد ال. (۱۳۸۰)، *تئوری و طراحی سازمان*، ترجمه علی پارساییان و سیدمحمد اعرابی، چ ۳، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رابینز، استفن پی. (۱۳۸۱)، *تئوری سازمان*، ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، تهران: صفار.
- شاه‌حسینی، حسن (۱۳۷۲)، *مفهوم امنیت ملی و تحولات جدید بین‌المللی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- شنایدر، سوزان و ژان لویی بارسو (۱۳۸۲)، مدیریت در پهنه فرهنگ‌ها، ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی، چ ۲، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شهبازی، ناصر (۱۳۸۵)، مدیریت استراتژیک در نیروهای مسلح، تهران: دافوس آجا.

شهلائی، ناصر و حسین ولیوند زمانی (۱۳۸۸)، نظریه‌های استراتژیک، تهران: دافوس آجا.
 طاووسی، احمدرضا (۱۳۷۸)، بررسی نقش تبلیغات در جنگ تحمیلی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی)، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
 کرسول، جان و ویکی پلانوکلاک (۱۳۸۷)، روش‌های تحقیق تلفیقی، ترجمه عباس زارعی و محسن نیازی، تهران: ثامن الحجج.
 لورنژ، پیترو و همکاران (۱۳۸۴)، کنترل استراتژیک، ترجمه سیدمحمد اعرابی، تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 مرادی، محمدعلی و مریم مهدی‌زاده (۱۳۸۴)، تجارت خارجی و رشد اقتصادی ایران، اقتصاد و تجارت نوین.
 ین، رابرت. ک. (۱۳۸۱)، تحقیق موردی، ترجمه علی پارساییان و سیدمحمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

David, Fred R. (2002), *Strategic Management*, 11th ed., Printice Hall.

Pearce II; A. Johan & Richard B. Jr. Robinson (1994), *Strategic Management*, 3rd ed., USA: Irvin.

Sohreyogg & Steminmann (1987), "Strategic Control: A New Perspective", *Academy of Management Review*, vol.12, pp.91-103.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی